

بررسی مشروعیت مسئولیت حمایت در اسلام

۳۳

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

توکل حبیب‌زاده و همکار
بررسی مشروعیت مسئولیت
حمایت در اسلام

توکل حبیب‌زاده^۱

سید محمدحسین میرلوحی^{۲*}

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، تهران، ایران.

چکیده

جلوگیری از فجایع بشری و ایجاد نوعی آرامش نسبی برای انسان همواره از دغدغه‌های حکومت‌ها بوده است. از طرفی حکومت‌ها این‌گونه تجربه کرده‌اند که بدون کمک دیگر حاکمیت‌ها توانایی پیشگیری، واکنش نشان دادن یا بازسازی هجمه‌ها علیه بشریت را ندارند. پس از پایان جنگ سرد، اوج‌گیری درگیری‌های نظامی منطقه‌ای، وقوع جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی در برخی از مناطق و فراهم شدن امکان برخورد فعال شورای امنیت با این‌گونه مصادیق تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، نظریه «مداخله بشردوستانه»^۱ از سوی جامعه بین‌المللی مطرح شد و پس از اثبات ناکارآمدی و نیز سوءاستفاده برخی کشورها از آن، نظریه جدید «مسئولیت حمایت»^۲ مطرح و در قالب برخی اسناد سازمان ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفت. در این مفهوم حکومت‌ها ملزم می‌شوند تا در صورت اتفاق افتادن برخی جنایات شدید از مردم تحت ظلم حمایت کنند. در این مقاله سعی داریم تا مشروعیت این نظریه را از دیدگاه اسلام بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: مسئولیت حمایت، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، اسلام، ظلم ستیزی.

نظریه "مسئولیت حمایت" قرائتی جدید از مفهوم "مداخله بشردوستانه" است که طبق آن کشورها موظفند در برابر برخی جنایات علیه افراد و گروه‌های انسانی در کشورهای دیگر بی تفاوت نبوده و بلکه واکنش مناسب نشان دهند. نظریه مسئولیت حمایت به معنای جواز دخالت سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و در مرحله آخر مداخله نظامی جامعه‌ی بین‌الملل در کشوری است که کشتار دسته جمعی، جنایت جنگی، پاکسازی نژادی یا قومی و جنایت علیه بشریت در آنجا در حال اتفاق افتادن است و دولت حاکم، توانایی و یا تمایل به حمایت از اتباع خود را ندارد. این نظریه با توجه به نگاه اسلام نسبت به امر حکومت و حکومت‌داری که نه تنها حکومت را امتیاز محسوب نکرده بلکه مسئولیتی سنگین بر عهده صاحب منصبان آن دانسته است، مورد تأمل قرار می‌گیرد که در صورتی که حکومتی قادر به حمایت از اتباع خود نباشد یا حقوق آنها را مراعات ننماید، با چه وضعیتی مواجه خواهد شد و سایر حکومت‌ها چه حقوق و تکالیفی نسبت به آن خواهند داشت. از سوی دیگر اسلام در همه جا با ظلم مخالف است، مبارزه با ظالم را تجویز و مسئولیت حکومت اسلامی را قیام در برابر هر ظلمی حتی در ماورای سرزمین اسلامی می‌داند. این امر نیز پرسش این مقاله را از سوی دیگر تقویت کرده و به دنبال یافتن این پاسخ است که نگرش اسلامی نسبت به موضوع مسئولیت حمایت و وقوع وضعیت‌های ضد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در کشورها چیست؟

در این سطور برآنیم تا با بهره‌گیری از روش تحلیلی، پس از مرور اجمالی نظریه مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل، مشروعیت آن را از دیدگاه اسلام در سرزمین‌های اسلامی و نیز سرزمین‌های کفار حربی بررسی نماییم.

گفتار اول: چیستی "مسئولیت حمایت"

مبحث اول: از مداخله بشردوستانه تا مسئولیت حمایت

مفهوم تمامیت سرزمینی و حاکمیت و استقلال سیاسی کشورها در بستر تاریخ از جمله مفاهیم مورد اتفاق و پراهمیت جامعه بین‌المللی بوده است، به‌گونه‌ای که چنانچه اصول منع مداخله و منع توسل به زور توسط کشوری نقض شود، خود برای بروز جنگ واقعی بین کشورها کافی است (جاوید و محمدی، ۱۳۹۲: ۵۱). اما از سوی دیگر، خودکامگی و استبداد حکومت‌ها برای اعمال قدرت همه جانبه یا توسل به ارعاب جهت تثبیت سیاست

حاکمه از یک سو و ضعف و ناتوانی آنها در جلوگیری از شورش‌ها و جنایات گسترده در قلمرو داخلی از سوی دیگر، جامعه جهانی را برآن داشت تا برای کاهش جنایات علیه افراد و گروه‌های انسانی فکری بکند.

در اولین گام‌ها، دولت‌ها با هدف حمایت از اتباع خود در قلمرو کشور بیگانه و در دوره معاصر جهت حمایت از اتباع کشور ثالث در صورت وقوع برخی جنایات‌های گسترده از سوی حکومت‌های وقت و یا گروه‌های مسلح در جنگ‌های داخلی به مداخلات بشردوستانه مبادرت ورزیدند. البته مداخله نظامی به منظور حمایت از اتباع در خارج را زمانی که آزادی و جان آنها در خطر است و دولت محل اقامت مایل یا قادر به حمایت از آنها نیست، نباید با "مداخله بشردوستانه" اشتباه گرفت. در مورد اول، دولت مداخله‌کننده از افرادی که تبعه آن محسوب می‌شوند، حمایت می‌کند، اما در مورد دوم، یک کشور یا گروهی از کشورها در حمایت از اتباع خارجی و اغلب اتباع کشوری که در قلمرو آن مداخله صورت می‌گیرد و در واقع برای متوقف ساختن نقض گسترده ارزش‌های بنیادین انسانی جامعه بین‌المللی و حفظ نظم عمومی بین‌المللی اقدام می‌نمایند. یکی از نویسندگان به شیوه ظریفی مداخله بشردوستانه را به اصل صلاحیت جهانی و مداخله نظامی در حمایت از اتباع^۲ را به اصل صلاحیت شخصی منفعل در امور کیفری تشبیه نموده است (Kolb: 120-121).

دایرةالمعارف حقوق بین‌الملل، مداخله بشردوستانه را این‌گونه تعریف می‌کند: «استفاده از زور توسط یک دولت علیه دولت دیگری به منظور حمایت از جان و آزادی اتباع دولت دیگر که یا نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند راساً کاری را انجام دهند.»^۳ همان‌طور که از تعریف مداخله بشردوستانه برمی‌آید، رها بودن و به تعبیری عدم تقید جدی کشورها در استفاده از زور صرفاً برای حمایت از حقوق افراد در معرض خطر و نبود سازوکار مشخصی در نظارت و کنترل آن، حاکمیت کشور مورد مداخله را به شدت تهدید می‌کند. به‌علاوه سوءاستفاده از مفهوم «مداخله بشردوستانه» و به‌کارگیری آن در غیرانگیزه ادعایی موجب انتقادات فراوان از آن گردیده و آن را به یک مفهوم متروک تبدیل نمود. آن‌چنان که در تاریخ ثبت شده است آمریکا، اسپانیا، بریتانیا و فرانسه از جمله کشورهایی هستند که از این عنوان سوءاستفاده نموده و قدرت حاکمه را بسیار تضعیف نموده، اهداف و منافع خود را در سرزمین‌های مورد مداخله دنبال می‌کردند (نوروزی، جوانشیری، ۱۳۸۴: ۲۹۲).

گامی به سوی «مسئولیت حمایت»

بحث و جدل میان موافقان و مخالفان بر سر لزوم، مشروعیت و نحوه اعمال مداخله نظامی با هدف حمایت از انسان‌ها حتی در چارچوب شورای امنیت همواره وجود داشته است. اختلاف نظر در این موضوع به حدی بود که مجمع عمومی و دبیرکل وقت سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ میلادی از جامعه جهانی درخواست نمودند تا یکبار و برای همیشه راه حلی برای این چالش پیدا کنند (قادری، قربان نیا، ۱۳۹۲: ۲). کوفی عنان در سخنرانی خود در این مجمع ابراز داشت:

«اگر مداخله بشردوستانه، خدشه‌ای غیرقابل پذیرش به حاکمیت است، پس چگونه می‌توان به وضعیت‌های رواندا و سربرنیتسا یعنی نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که موجب وهن جامعه بشری است، پاسخ داد. دخالت بشردوستانه موضوعی حساس و همراه با مشکلات سیاسی است و پاسخ ساده‌ای در بر ندارد. ولی بی‌گمان هیچ اصل حقوقی، حتی حاکمیت، نمی‌تواند سپر جنایت‌های ضد بشری باشد. در این گونه موارد که اقدامات صلح‌جویانه برای پایان دادن به مسئله، به بن‌بست می‌رسد، شورای امنیت وظیفه اخلاقی دارد که از سوی جامعه جهانی اقدام کند» (ICISS, 2001: 9).

در پاسخ به این سوال، کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها با حمایت دولت کانادا، در سپتامبر ۲۰۰۰ تشکیل و مفهوم "مسئولیت حمایت" را در گزارشی تحت همین عنوان در سال ۲۰۰۱ مطرح کرد (قوام، روان بد، ۱۳۸۹: ۵).

وجه قانونی مسئولیت حمایت

دبیرکل سازمان ملل با استقبال از گزارش کمیسیون مذکور، از هیات عالی‌رتبه درباره اصلاح منشور در سال ۲۰۰۳ درخواست نمود ابعاد این نظریه را بررسی کند. هیات عالی‌رتبه مذکور در گزارش سال ۲۰۰۴ با عنوان «جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» که منعکس‌کننده اصول اساسی و مبانی اجرایی و نظری مسئولیت حمایت بود، بیان نمود که در رویه بین‌المللی این دیدگاه در حال تقویت است که هنگامی که دولت‌ها در قبال جنایات بشری ارتكابی در قلمروی خود به عللی اساساً توانایی یا تمایلی به ایفای مسئولیت خود در قبال حقوق افراد انسانی نداشته باشند، این مسئولیت برعهده جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد (A More Secure World..., para. 201). این دیدگاه در گزارش سال ۲۰۰۵ دبیرکل با عنوان «آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» درج (In Larger Freedom..., paras. 16-22) و سپس در بندهای ۱۳۸ تا ۱۴۰ سند

نهایی اجلاس سران دولت‌های عضو ملل متحد در سال ۲۰۰۵ در بند مفهوم مسئولیت حمایت مورد تأیید مجمع عمومی قرار گرفت (world summit outcome, 2005: 32). نهایتاً شورای امنیت در سال ۲۰۰۶ در قالب قطعنامه‌های شماره ۱۶۷۴ و سپس ۱۷۰۶ صراحتاً مفهوم موردنظر را مورد شناسایی قرار داد.

مبنای مسئولیت حمایت: حکومت به مثابه مسئولیت

آنچه می‌تواند توجیهی قابل پذیرش برای تمامی حکومت‌ها - دموکراتیک، دیکتاتوری، و... - درباره مداخله بشردوستانه تلقی شود، در نظر گرفتن حکومت نه به‌عنوان یک حق و سلطه بر رعایا، بلکه به مثابه مسئولیت است. در این رویکرد حکومت تنها متولی حفظ نظم عمومی و امنیت ملی نیست و بلکه اصولاً مفهوم امنیت ملی امروزه به "امنیت انسانی" تغییر محتوی یافته و حکومت موظف است از حقوق بشر و شهروندی اتباع خود در برابر هرگونه تهدیدی حراست نماید. بدین ترتیب، مسئولیت حمایت از اتباع یک وظیفه تخلف‌ناپذیر هر حکومتی است و عدم توانایی و یا تمایل به ایفای آن، می‌تواند توجیهی مناسب و مبنایی برای انتقال این مسئولیت به دولت‌های دیگر جهت مداخله در کشور مورد نظر به منظور حمایت از اتباع آن قرار گیرد (Reinhard Steurer, 2010: 17).

بدین ترتیب، بر اساس نظریه "مسئولیت حمایت"، هر حکومتی وظیفه دارد از مردم خود در برابر جنایت جنگی، پاکسازی نژادی یا قومی و جنایت علیه بشریت حمایت کند. ایفای این مسئولیت مستلزم پیشگیری از این‌گونه جنایات از طریق ابزارهای مناسب و ضروری است. بر این اساس یک حکومت نمی‌تواند اعمال خشونت و کشتار مردم را با توسل به اصولی همچون «حاکمیت»، «عدم مداخله در امور داخلی» و «برابری دولت‌ها» توجیه کند. اگر حکومتی از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند و علیه مردم خودش به داغ و درفش متوسل شده و جنگ و کشتار راه بیندازد، جامعه بین‌المللی حق دخالت در آن کشور را دارد (ICISS, 2001: 13).

این نگاه دقیقاً منطبق بر تفکر و جهان بینی اسلامی است. در بیانات امیرالمومنین علی علیه‌السلام در خطبه معروف شقشقیه این‌گونه آمده است:

«...بدانید، سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده، که اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود یا گرد آمدن یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان خاموشی نگزینند، افسارش را بر گردنش می‌افکندم و رهایش می‌کردم و در پایان با آن همان می‌کردم که

در آغاز کرده بودم و می دیدید که دنیای شما در نزد من از عطسه ماده بزی هم کم ارجح تر است» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

با این بیان به خوبی روشن می شود که ولی یا حاکم به هیچ وجه نگاه طمع آلود به حکومت ندارد، بلکه وظیفه و مسئولیت خود را تأمین مصالح جامعه اسلامی و حمایت از حقوق مردم و به ویژه مظلومین می داند. فقیهان و متکلمان برجسته ما نیز، ولایت بر مردم را مشتمل بر چهار وظیفه و مسئولیت عمده دانسته اند: ۱. وظیفه حفاظت ۲. وظیفه افتاء ۳. وظیفه قضاء ۴. وظیفه ولاء (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۴۵).

مبحث دوم: اشکال و مراحل "مسئولیت حمایت"

مسئولیت حمایت شامل سه مسئولیت خاص می باشد:

الف) مسئولیت پیشگیری در خصوص دلایل ریشه ای و عوامل مستقیم منازعات داخلی و سایر بحران های ساخته ی بشر که حیات افراد و گروه های انسانی را به خطر می اندازد. ب) مسئولیت واکنش در پاسخ به وضعیت هایی که نیاز مبرم به اقداماتی مانند تحریم، تعقیب و محاکمه ی بین المللی افراد و مقامات دولتی و در موارد حاد مداخله ی نظامی احساس می شود.

ج) مسئولیت بازسازی و به عبارتی همیاری کافی به خصوص بعد از مداخله ی نظامی برای بهبود، بازسازی، آشتی و مواجهه با دلایل منازعه که مداخله باعث توقف آن شده است (ICISS, 2001: 19-44).

الف) مسئولیت پیشگیری: مسئولیت پیشگیری که به عنوان گزینه اصلی و اولویت نخست برای اعمال مسئولیت حمایت مدنظر است، پس از آنکه در تمام گزارش های موجود درباره مسئولیت حمایت مورد تأیید و تأکید قرار گرفت، در گزارش سال ۲۰۰۹ دبیرکل سازمان ملل متحد نیز به عنوان سنگ بنای مسئولیت حمایت مورد توجه خاص بان کی مون قرار گرفته است.^۵ هرچند مسئولیت پیشگیری در مقایسه با ابعاد دیگر مسئولیت حمایت، چه از حیث مالی و چه از منظر حفظ جان و زندگی انسان ها کم هزینه تر و دارای اولویت است، اما در عین حال، نیازمند اقدامات گسترده اجرایی و ایجاد ساختارهای خاص در حوزه های مختلف سیاسی و امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است. پیشگیری مؤثر، جدای از داشتن ساختار هشدار زودهنگام، باید هم به سبب های ریشه ای و هم به سبب های مستقیم در وقوع جنگ های داخلی و بحران های انسانی توجه کند. باید خاطر نشان کرد یکی از ظرفیت های مهم مسئولیت پیشگیری، قرار گرفتن بنای این مسئولیت

بر فصل ششم منشور ملل متحد است که در آن برای جلوگیری از مخاصمات و حل و فصل مسالمت‌آمیز آنها راه‌حل‌هایی نظیر مذاکره، تحقیق، مصالحه و حل و فصل قضایی و داوری در آن پیش‌بینی شده است.^۶

ممکن است در ابتدای امر این اشکال وارد شود که نظریه مسئولیت حمایت، در حیطه پیشگیری نوع آوری خاصی نداشته است. متنها باید توجه شود که منشور ملل متحد به عنوان سند بالادستی و بدون وجهی آئین‌نامه‌ای اصول کلی را تبیین نموده و مجاری اجرایی شدن مسئولیت پیشگیری را پایه‌گذاری کرده است (سواری، بلوچی، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۵).

ب) مسئولیت واکنشی: پس از آنکه کلیه اقدامات پیشگیرانه، با ناکامی مواجه شدند، اجرای مسئولیت پیشگیری از سوی جامعه بین‌المللی جای خود را به مسئولیت واکنشی می‌دهد. مسئولیت واکنشی، خود در دو مرحله و در دو سری اقدامات اجرایی متفاوت جهت کنترل و توقف نقض شدید و گسترده حقوق بشر صورت می‌گیرد. در وهله اول، اقداماتی که فاقد وصف نظامی هستند، باید اتخاذ گردند. بدین معنا که پیش از به‌کارگیری هرگونه گزینه نظامی، می‌بایست اقدامات اقتصادی، سیاسی، حقوقی و حتی اجتماعی و فرهنگی انجام شوند تا کشور مزبور را مجبور به توقف جنایات علیه حقوق بشر و انجام اقدامات بشردوستانه کنند. سپس در صورت شکست اقدامات مرحله اول و در مواردی که اثبات شود اقدامات پیشگیرانه و واکنشی غیرنظامی برای حل موضوع کفایت نمی‌کند و امکان از دست رفتن جان و زندگی بسیاری از مردم در صورت وقوع جنایات ضد بشری، شدیداً محتمل بوده و این جنایات چنان گسترده و شدید باشد که وجدان بشریت را تحت تأثیر خود قرار دهد، اجرای مسئولیت حمایت از سوی جامعه بین‌المللی در چنین موارد استثنایی، معطوف به استفاده از نیروی نظامی خواهد شد. رکن مسئول برای صدور مجوز برای اعمال مسئولیت واکنش نظامی شورای امنیت ملل متحد است. مبانی و ردپای این نوع مسئولیت را می‌توان ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد یافت که درصدد بیان وظایف شورای امنیت است.^۷

ج) مسئولیت بازسازی: مسئولیت بازسازی شامل کلیه مساعدت‌ها از سوی جامعه بین‌المللی برای بازیابی و بازسازی کشور مورد مداخله، خصوصاً پس از مداخله نظامی، از نظر سیاسی، اقتصادی، حقوقی و امنیتی است؛ به عبارت دیگر، تلاش می‌شود تا مشکلات مختلف، چه اینکه قبل از وقوع بحران وجود داشته‌اند و چه آن که پس از انجام مسئولیت واکنش به وجود آمده باشند، رفع شوند (سواری، بلوچی، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۵).

فصل دوم: مشروعیت مسئولیت حمایت در اسلام

قبل از ورود به بحث و تبیین نظر اسلام باید توجه داشت بحث از مشروعیت احتمالی نظریه مسئولیت حمایت در منظر اسلامی به معنای تأیید وضعیت دنیای امروز که دچار بحران انسانیت شده، نخواهد بود. از سوی دیگر این مقاله درصدد تأیید یا اعطای صلاحیت نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه نبوده و برای نفی و اثبات، بحثی در این خصوص ندارد. چراکه بسیاری از ارکان اصلی دنیای مدرن در برخورد با این پدیده‌ها، همچون نهاد شورای امنیت سازمان ملل امروزه به نهادی کاملاً سیاسی و با جهت‌گیری‌ها و مداخلات غیرعادلانه و غیرمنصفانه مبدل گشته به نوعی که امروزه غالب مداخلات بشردوستانه و استفاده از اصل مسئولیت حمایت را در حقیقت باید نوعی مداخله در کشورها با مقاصد و اهداف سیاسی و غیر انسانی دانست. در نتیجه اگر در این مقاله به‌طور کلی و در این فصل به خصوص در حال تبیین مشروعیت این نظریه از دیدگاه اسلام هستیم این بدین معنا نیست که بحران انسانیت در دنیای امروز را مورد تأیید نظر اسلام بدانیم، بلکه تنها درصدد آنیم که در دنیایی بر مبنای عدل و انصاف- و نه بر مبنای سوء استفاده‌ی کشورهای استعمارگری که ابزار عملیاتی مسئولیت حمایت را غالباً در دست دارند- نگاه مویدانه اسلام نسبت به حمایت از مظلومین و حقوق انسانی را تبیین نماییم.

همان‌گونه که گذشت، یکی از خواسته‌های ملتهای ستمدیده‌ی جهان مبنی بر حمایت از آنها در برابر حکومت‌های ظلم و جور را می‌توان در یک تبلور حقوقی تحت عنوان مسئولیت حمایت نظریه پردازی مشاهده نمود. باور ما این است که این روند از یک منظر می‌تواند بازگشت انسان‌ها به سمت فطرت و شاکله‌ی آسمانی و الهی آنها دانسته شود. در حقیقت نوعی علاقه و بلکه وظیفه‌ای در سرشت انسان‌ها به ودیعت گذاشته شده که آنها را وادار به حمایت و مراقبت از هم‌نوع خود می‌کند.

اکنون در عصر برافروخته شدن آتش جنگ در اقصی نقاط جهان و مخصوصاً آشوب‌های سنگین در خاورمیانه و عدم استطاعت دولت‌ها در حمایت از مردم خود در برابر کشتارها و جنایات علیه بشریت بیش از پیش نقش جمهوری اسلامی ایران پررنگ شده است و نسبت به مواضع و اقدامات عملی جمهوری اسلامی در این موضوع نگاه‌های متضاد و گاهی سیاسی مطرح می‌شود و گه‌گاه انگشت اتهام به این عنوان که ما باید ابتدا خودمان را نسبت به خطرات و مشکلات اقتصادی مصون کنیم و سپس در عرصه‌های دفاع از ملت‌های منطقه برآییم، در گوشه و کنار رسانه‌ها و یادداشت‌ها نشانه می‌رود. این نوشته

در حد وسع درصدد است مسئولیت حمایت را از دیدگاه اسلام بازبینی کرده و مبانی آن را تبیین نماید. برای تنقیح بحث لازم است ابتدا تفکیکی میان ملت‌ها از دیدگاه اسلام به عمل آید. از دیدگاه اسلامی ملت‌ها یا مسلمان هستند یا غیرمسلمان. درباره تقسیم بندی غیرمسلمانها که کفار نامیده می شوند، اختلاف نظراتی وجود دارد. در این نوشته تقسیم‌بندی زیر ترجیح داده شده است:

۱. کافر ذمی: کافری که طی قراردادی در کنف حمایت مسلمان‌ها و در سرزمین اسلامی زندگی می کند.
۲. کافر حربی: کافری که معاند اسلام بوده و شرایط ذمه را نمی پذیرد (شهید ثانی، بی تا، ۲: ۳۸۷).

۳. کافری که نه ذمی است و نه حربی: نه در کنف حمایت اسلام است و نه معاند با اسلام که به تعبیری آن را کافر غیرذمی در زمان هدنه می گویند.^۸ (خمینی، ۱۴۱۵، ۱: ۲۲۸). البته فقها به صورت عرف فقهی و رسمی که در میانشان جریان داشته در تقسیم بندی خود این شق سوم را تصریحا اشاره نکرده‌اند، اما در لابه‌لای مباحث فقهی آنها این دسته از کفار به چشم می خورد.

با این تفصیل لازم است مسئولیت حمایت را در مورد چهار دسته از افراد بررسی کنیم: الف) مسلمانان؛ ب) کفار ذمی؛ ج) کفار حربی و د) کفار غیرحربی غیرذمی.

مبحث اول: مسئولیت حمایت در قبال مسلمانان

از دیدگاه اسلامی، مرزها هیچ نوع جایگاه حقیقی و موثر در ملکوت انسان‌ها ندارند و صرفا در دنیای امروز مشخص کننده‌ی حدود و ثغور قلمرو حکومت سیاسی دولت‌هاست. این طور نیست که مسلمان عرب با مسلمان فارس و کرد و ترک و لر تفاوت داشته باشد. این که انسان‌ها با ویژگی‌های ظاهری متفاوتی در نقاط پراکنده زندگی می کنند، صرفا به‌خاطر از هم بازشناخته شدن است و رنگ‌ها و نژادها موجب فرق بین انسان‌ها نمی شود. آیه سیزدهم سوره حجرات دقیقا به همین معنا اشاره دارد: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ**. بنابراین چنانچه دستوری از شارع مقدس جهت حمایت از مظلومان مسلمان عالم رسیده باشد، قطعاً محدود به دایره‌ی سرزمینی حکومت اسلامی نیست بلکه چنانچه فرای از مرزهای سرزمین اسلامی نیز چنین مظلومانی باشند، لازم است از آنها حمایت شود. در روایات زیر به این مهم توجه داده شده است:

۱. شیخ صدوق، ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی از پدرش نقل می‌کند: قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُنْصِرُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا وَ نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (صدوق، بی تا: ۱۴۸) هیچ مومنی نیست که مومن مظلوم دیگری را حمایت و معاونت نماید الا اینکه این کارش از روزی یک ماه و اعتکاف آن در مسجد الحرام با ارزش تر است. هیچ مومنی نیست که برادر خودش (در دین) را نصرت نماید و خدا او را در دنیا و آخرت نصرت نکند، چنانچه قدرت داشته باشد. اما چنانچه قدرت بر یاری داشته باشد اما او را واگذارد و خوار نماید خدای متعال او را در دنیا و آخرت خوار می‌کند.

۲. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی به سلسله سند زیر نقل می‌کند: عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَمِّهِ عَاصِمِ الْكُوزِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (کلینی، بی تا، ۲: ۱۶۴) نبی اعظم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هرکس روز را بگذراند و به امور مسلمین نپردازد از مسلمانان نیست. چنانچه مسلمانی ندا در دهد که ای مسلمانان (به دادخواهی من بیایید) و او جوابش را ندهد، مسلمان نیست.

تحلیل:

نمونه های دیگری از این روایات در دسترس است که مقاله‌ی حاضر توان پرداختن به تمامی آنها را ندارد. اما همان گونه که ملاحظه می‌شود هم رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و هم امام صادق علیه السلام نصرت و حمایت را معطوف به مسلمان کردند - یعنی مومنا مظلوما ... بامور المسلمین - و نیز در این روایات صحبتی از حکومت اسلامی نیست. هر جا مسلمی باشد ولو در کنف حمایت دولت اسلامی نباشد، مسئولیت حمایت از وی توسط دولت اسلامی عقلاً و حکماً از این روایات برداشت می‌شود. نگاهی به بیانات صریح حضرت امام خمینی (ره) در قامت فقیهی که موفق به تشکیل حکومت اسلامی گردید، خالی از لطف نیست:

«امروز ایران به‌رغم بوقهای خارج و دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا و صهیونیست و سیلی خورده‌های از انقلاب، به سوی سازندگی نهایی پیش می‌رود و این درس عبرتی

است برای کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان که قدرت اسلامی خود را بیابند و از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند و آزادی قدس شریف و فلسطین را سرلوحه برنامه خود قرار دهند و ننگ سلطه صهیونیسم، تفاله آمریکا را از دامن خود بزدایند و روز قدس را زنده نگه دارند. امید است با زنده نگه داشتن این روز، بی‌تفاوتی‌ها زایل شود و غفلت‌ها مرتفع گردد و با قیام ملت‌های شریف، بعضی از سران خائن را که به رغم مسلمانان و اسلام، دست در دست اسرائیل و چشم به فرمان آمریکا برخلاف مصالح مسلمین به زندگانی سیاسی ننگین خود و به زندگی جنایت بار خویش ادامه می‌دهند، از صحنه خارج و در گورستان تاریخ مدفون نمایند.» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۶۱).

و «این تکلیف همه مسلمانان است که قدس را آزاد کنند و شر این جرثومه فساد را از سر بلاد اسلامی قطع کنند» (صحیفه امام، ج ۵: ۱۸۶).

این نه سیره صرف اجتهادی حضرت امام خمینی (ره) بلکه سیره فقهی حکومتی برای اداره جمهوری اسلامی است. مقام معظم رهبری هم به صراحت وقتی سخن از مظلومان مسلمان فلسطین به میان می‌آید می‌فرماید:

«...ما اگر می‌توانستیم آنجا حضور پیدا کنیم، لازم بود حضور پیدا کنیم و پیدا هم می‌کردیم؛ ما ملاحظه‌ی کسی را هم نمی‌کردیم؛ متها امکان ندارد؛ این را همه بدانند. دولت جمهوری اسلامی و مسئولین جمهوری اسلامی هر کاری که ممکن باشد که کمک به آن ملت مظلوم باشد، می‌کند، تا حالا هم کرده، بعد از این هم خواهد کرد.»^۹

مبحث دوم: مسئولیت حمایت در قبال کفار ذمی

همان طور که گذشت، کافر ذمی عبارتست از کافری که با پرداخت شرایط جزیه در سرزمین اسلامی زندگی می‌کند (خمینی، ۱۴۰۴: ۲۶۰) و با رعایت شرایط مثل یک عضو از اعضای جامعه اسلامی است و دولت اسلامی موظف به حمایت از تبعه خود است. بنابراین، اگرچه درباره مسئولیت حمایت دولت اسلامی از کافر ذمی تفاوتی با مسئولیت آن در قبال مسلمانان نیست، متها برای تبیین دیدگاه اسلام و جدیت حکومت اسلامی در حمایت از افراد غیرمسلمان تحت تکفل خویش مناسب است قسمتی از خطبه ۲۷ نهج البلاغه را یادآوری نمایم:

«به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که

در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته‌اند... اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسّف بمیرد، ملامت نخواهد شد (دشتی، ۱۳۷۹: ۷۵)»^{۱۰}.

مبحث سوم: مسئولیت حمایت در قبال کافر حربی

همان طور که در تعریف این دسته از کفار آمد و از اسم آنها بر می آید، ایشان کفاری هستند که قصد جنگ با مسلمانان دارند. لذا صحبت از اینکه مسئولیت حمایت در این بلاد مشروع باشد نه تنها عقلاً منتفی است بلکه از دیدگاه شرع جهاد با ایشان واجب است. همان طور که صاحب جواهر می فرماید: «سه دسته‌اند که جهاد با ایشان واجب است، خروج کنندگان علیه امام‌المسلمین، دوم اهل ذمه که از شرایط ذمه خارج شده‌اند و سوم هر دسته غیر از این کفار که نام برده شد (نجفی، ج ۲۱: ۹۶)» بنابراین تقسیم بندی، وجوب جهاد با کفار حربی استفاده می شود و به طریق اولی حمایت از آنها شرعاً و عقلاً ممتنع است.

مبحث چهارم: کافر غیرذمی غیرحربی

تا بدین جا تعیین تکلیف در مورد مسئولیت حمایت از سه دسته از افراد انسانی مذکور تقریباً مشخص بود و نیازی به استدلال نداشت، اما باید دید وظیفه حکومت اسلامی نسبت به کفاری که نه با آنها سر جنگ دارند و نه تحت تکفل حکومت اسلامی هستند بلکه در کشور دیگری که با کشور اسلامی در حال آشتی و صلح به سر می برند، چیست؟ آیا چون مسلمان نیستند، حکومت اسلامی وظیفه‌ای در قبال آنها ندارد؟ در زیر به دلایل ارایه شده و انتقادات به آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. دلیل عقلی:

ممکن است استدلال شود که چون از نظر عقلی، قبح ظلم اثبات شده است و شارع حکیم منع از قبیح می کند، لازم است در مقابل ظلم هر جا که باشد بایستیم (مطهری، بی تا، ۱: ۷۰). خلاصه بحث این است که به موجب نظریه مسئولیت حمایت، کشورها مسئولیت دارند در قبال جنایات جنگی، نسل کشی، جنایت علیه بشریت و پاکسازی قومی از هر ملتی حمایت کنند. شرح بحث هم این است که از دیدگاه اسلام نیز هر جا که پای ظلمی در میان باشد باید از آن ظلم جلوگیری شود. بنابراین از لحاظ شرعی لازم است از هر

مظلومی چه مسلمان و چه غیرمسلمان حمایت کنیم.

نقد استدلال: همان طور که بیان شد، این استدلال مبتنی بر یک قاعده‌ی عقلی است، با این تقریر که لازم است هر آنجا که عقل ظلمی را تشخیص بدهد، مسلمانان باید از آن جلوگیری کنند. از طرف دیگر بدیهی است که «قاعده‌ی عقلی استثنا بردار نیست»^{۱۱} در صورتی که همان‌طور که در باب وجوب جهاد با کافر حربی گفته شد، شارع در مورد کفار حربی استثنا زده است و دولت اسلامی نمی تواند از آنها حمایت کند. بنابراین، استدلال عقلی مذکور قابل خدشه است و باید در دلایل نقلی مستند دیگری دست و پا کرد.

۲. دلیل نقلی:

۱) استدلال به آیه ۷۵ سوره نساء:

"وَمَا لَكُمْ لَاتُتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا".

"شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هرگونه راه چاره را بر آنان بسته‌اند] نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلس ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده".

روشن است که خدای متعال با بیانی توبیخ‌آلود خطاب به مسلمان‌ها، به آنها فرمان می‌دهد تا از مستضعفین عالم که در هر جای جهان هستند دفاع کنند و آنها را از دست ستمکاران برهانند. تعبیر قرآنی مطلق است و مستضعفین را مقید به تعبیری چون من المسلمین یا من المومنین نکرده است. بنابراین از این آیه مشروعیت و بلکه وجوب حمایت از کفار غیرذمی غیرحربی نیز استنباط می‌شود.

نقد استدلال: استدلال به اطلاق مستضعفین چنانچه اثبات شود، مطلوب ما را تحصیل می‌کند، متنها وقتی به تفاسیر بزرگ و مهم شیعه مراجعه می‌کنیم، با استدلال به شأن نزول و روایات مرتبط مستضعفین را مقید به مسلمانان می‌کنند (طباطبایی، ۴: ۶۷۳)؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴: ۱۷۴)؛ (قمی، بی تا، ۱: ۱۴۳). فلذا نمی‌توان این آیه هم مبنایی برای حمایت از کفار مذکور در نظر گرفت، در حالی که یکی از مبانی قطعیه‌ی قرآنی راجع به مسئولیت حمایت از مسلمانان در این آیه به طور واضح آمده است.^{۱۲}

۲) استدلال به سیره:

برخی این طور استدلال می‌کنند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ‌ها دستور به مراقبت از افرادی که در جنگ نبودند، می‌دادند: *أَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ وَ اسْتَحْيُوا شُيُوخَهُمْ وَ صِبْيَانَهُمْ* (طوسی، بی تا، ۶: ۱۴۲) و حتی برخی محدثان شیعه در این باب احادیثی آورده‌اند که بررسی آن از حوصله بحث خارج است (محمد بن حسن عاملی، بی تا، ۱۵: ۶۴).

نقد استدلال: بطور خلاصه اشکال واضح استدلال فوق این است که اگرچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از فرزندان و پیرمردهای کفار محافظت می‌کرده است، اما این امر به منظور حمایت از آنها در مفهوم مورد بحث ما نبوده است بلکه در جهت رعایت حقوق انسانی غیرنظامیان در زمان جنگ صورت می‌گرفت. به تعبیر دیگر در اینجا پیغمبر اکرم و سپاه مسلمین به عنوان ظفرمندان جنگ اخلاقاً و شرعاً ملتزم به رعایت حقوق جنگ‌زده‌ها هستند نه اینکه حکومت دیگری به سرزمین مشرکین حمله کرده باشد و حکومت اسلامی ملتزم شده باشد تا از کفار غیرحربی غیرذمی دفاع کند. گرچه استدلال فوق به لحاظ این که کفار موضوع حدیث اساساً و موضوعاً در دسته کفار حربی قرار می‌گیرند، نیز مخدوش است. بنابراین سالب به انتفاء موضوع می‌شود.

۳) استدلال به حلف الفضول

از قبل از بعثت میان «جرهمیها» پیمانی به نام «حلف الفضول» وجود داشت و اساس آن دفاع از حقوق افتادگان بود و بنیان‌گذاران پیمان کسانی بودند که نامهای همه از ماده فضل مشتق شده بود (سبحانی، ۱۳۵۰، ۱: ۱۵۱). این پیمان مشتمل بر سه محور اساسی بود: الف) یاری ستم‌دیده؛ ب) جستجوی معاش؛ و ج) نهی از منکر. این پیمان از شریفترین پیمان‌ها بود و درباره‌ی فلسفه‌ی آن گفته‌اند: مردی از زبید کالایی به مکه آورد. عاص بن وائل کالا را از او خرید، اما بهایش را نپرداخت. مرد زبیدی از احلاف (هم پیمانان) خود کمک خواست. اما آنها از کمک به وی خودداری کردند و او را از خود راندند. زبیدی بر فراز کوه ابوقبیش ایستاد و فریاد کمک خواهی سرداد. زبیر بن عبدالمطلب به پاخواست و برای این پیمان دعوت کرد و بدین سان پیمان مزبور بسته شد. آن چنان که از سیره ابن هشام برمی‌آید، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این پیمان شرکت داشتند (جعفر مرتضی عاملی، ۱۳۸۴، ۱: ۲۳۰).

نحوه استدلال به این پیمان در اثبات مسئولیت حمایت در قبال کافر غیرذمی غیرحربی

چنین است که چنانچه در مفاد پیمان آمده است، احلاف موظف بودند تا ستمدیده را یاری نموده و از او در مقابل ظالم حمایت کنند. مظلوم و ستمدیده نیز در اینجا منحصر در فرد خاص با مذهب و آیین خاص نشده و مطلق است، فلذا کافر غیرذمی غیرحربی را نیز شامل است. از طرفی پیغمبر اکرم هم در این پیمان حضور داشته و به آن مشروعیت بخشیدند. بنابراین از این مبنا جواز حمایت استنباط می شود.

نقد این استدلال: همانطور که ذکر شد، این پیمان قبل از بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم منعقد شده است و ممکن است استدلال شود که به جهت منعقد شدن پیمان حلف الفضول قبل از بعثت، حیثیتی شرعی بر آن مترتب نیست.

پاسخ این نقد: بر فرض قبول استدلال ناقد باید گفت پیغمبر اکرم (ص) پس از رسالت نیز این پیمان را با تاکید ستوده است: "در خانه ابن جدعان در پیمانی حاضر شدم که شادمان نیستم به جای آن شتران سرخ موی داشته باشم. اگر هم اکنون به آن دعوت شوم آن را می پذیرم". از طرف دیگر در ماجرای مشاجره ی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با ولید بن عتبه که قصد داشت با حضرت بدون رعایت عدالت و انصاف برخورد کند، حضرت به حلف الفضول استناد کرده اند (همان).

با این تفصیل باید گفت محتوای این پیمان از جمله یاری ستمدیده در راس آنها، پس از بعثت بلکه در زمان امامت ائمه نیز مورد استناد قرار گرفته است و بنابراین از حجیت لازم برای استدلال فقهی در جواز مشروعیت بلکه من باب اوفوا بالعقود (در صورت وجود و الحاق به چنین قراردادی بین المللی) برای حمایت از کافر غیرذمی غیرحربی برخوردار است. به تعبیر دیگر گرچه هریک از استدلالات فوق به نحوی متضمن ضعف بود، اما استناد و استدلال به حلف الفضول در تأیید شرعیت مسئولیت حمایت در این باب غیرقابل خدشه است.

پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

مسئولیت حمایت به عنوان یک نظریه مبین این است که در سطوح مختلف سیاسی و نظامی دولت‌ها موظفند به کشوری که به ناحق مورد تجاوز و ظلم آشکار دولت دیگر قرار گرفته کمک بکنند. این نظریه، فارغ از نهاد متکفل و جهت‌گیری‌های سیاسی در اجرای آن در دنیای کنونی، نه تنها در اسلام مورد تأیید قرار گرفته بلکه باید این‌گونه گفت که داعیه‌دار اصلی چنین تفکری ادیان آسمانی که در راس آنها اسلام است می باشد. این ادعا با استناد به ادله‌ی نقلی و عقلی متعددی به اثبات رسیده و مشخص گشت دفاع از مظلوم و حمایت از حقوق انسانی وظیفه‌ی اصلی حکومت‌ها بوده و سایر دولت‌ها نیز در صورت قصور یا انحراف حکومت‌ها از انجام این وظایف اصلی خود، مکلفند در جهت حمایت از حقوق انسانی سایر ملت‌ها، اقدامات متناسب را در حد توان و امکان انجام دهند.

چنانچه گذشت، اسلام این حمایت را مختص ملت‌های مسلمان نمی داند بلکه معتقد است می توان به ملل کافر به معنایی که توضیح آن در مقاله آمد، هم این اصل را تسری داد. البته مقیدات عقلی و نقلی مانع از آن است که بتوان این تئوری را مشمول کافر حربی نیز دانست.

1. Humanitarian intervention
2. Responsibility to protect
3. Intervention d'humanité
4. <http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e306?rsk=key=eEz30k&result=1&prd=EPIL>
5. <http://www.un.org/en/preventgenocide/adviser/responsibility.shtml>

۶. ماده ۳۳ فصل ششم منشور ملل متحد: «۱- طرفین هر اختلاف که ادامه آن متحمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره- میانجیگری- سازش- داوری- رسیدگی قضایی و توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنابه انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند.

۲- شورای امنیت در صورت اقتضا از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلافات خود را با شیوه‌های مزبور حل و فصل نمایند.»

۷. ماده ۴۲ منشور: "در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست می‌تواند به وسیله نیروهای هوایی- دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است مبادرت کند. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی- دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.

۸. در جهان‌بینی اسلامی یکی از وظایف اصلی انبیا و فرماندهان الهی بازکردن غل و زنجیرهای غیر توحیدی است فلذا بنا دارد تا همه‌ی ملت‌ها را از یوغ سلطنت غیر توحیدی نجات دهد و معارف اسلامی را به آنها آموزش دهد. وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. در این دیدگاه کفار یا حربی می‌شوند یا ذمی. اما همان‌طور که معلوم است این یک آرمان و ایده‌ی مدینه فاضله اسلام است و آنچه که در حقیقت اتفاق می‌افتد، این است که اسلام توان مقابله همه جانبه با کفر را ندارد و با بسیاری از مملکت‌های کفر در حال هدنه و صلح به سر می‌برد. از این روی نگاه فقهی علما تبیین می‌شود.

9. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5383>

۱۰. وَ لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَتَرَعَّرُ حَجْلَهَا وَ قَلْبَهُ وَ قَلَانِدَهَا وَ رُعْتَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَ الْأَسْتِرْحَامِ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَ أَفْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَ لَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ أُمَّراً مُسْلِماً مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَاً مَا كَانَ بِهِ مَلُوماً.

11. <http://islamquest.net/fa/archive/question/fa9463>

۱۲. ما این آیه را در بخش مسلمانان نیاوردیم که از اطاله کلام خودداری شود.

منابع

منابع فارسی و عربی:

- قرآن کریم.

- آملی، عبدالله، **ولایت فقاقت و عدالت**، قم: اسراء، چاپ سوم.

- جاوید، محمد جواد و محمدی (۱۳۹۲)، «نسبت اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل معاصر و اصل حمایت از مستضعفین در حقوق اسلامی»، **مطالعات حقوقی**، شیراز: نشر دانشگاه شیراز.

- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، دفتر حفظ و نشر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، www.khamenei.ir

- خمینی، سید روح الله، **المکاسب المحرمه**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.

- خمینی، سید روح الله، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.

- خمینی، سید روح الله، **زبده الاحکام**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

- الرضی، محمدبن الحسین، **نهج البلاغه**، ترجمه دشتی، قم: نشر مشهور، چاپ اول.

- سبحانی، جعفر، **فروع ابدیت**، قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، چاپ اول.

- سواری، حسن و بلوچی (۱۳۹۰)، «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، **پژوهش حقوق عمومی**، نشر دانشگاه علامه طباطبایی.

- صدوق، محمدبن علی، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم: دارالشریف الرضی للنشر، چاپ

دوم.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.

- طوسی، محمدبن الحسن، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- عاملی، سیدجعفر مرتضی، *سیرت جاودانه*، ترجمه محمد سپهری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

- عاملی، شهید ثانی، زید بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.

- عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

- قادری، سید محمد هادی و قربان‌نیا (۱۳۹۲)، «دکترین مسئولیت حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی»، *فصلنامه روابط خارجی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتب، چاپ چهارم.

- قوام، عبدالعلی و روان بد (۱۳۸۹)، «مفهوم مسئولیت حمایت ارزیابی نقش غرب جنبش عدم تعهد در شکل‌گیری هنجار جهانی»، *فصلنامه راهبرد*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.

- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

- نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.

- نوروزی، حسین و جوانشیری (۱۳۸۴)، «شورای امنیت و تحول مداخلات بشردوستانه پس از جنگ سرد»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، تهران: نشر دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی:

- General Assembly of United Nations, high-level panel on threats challenges and change.

- General Assembly of United Nations, World summit outcome 2005.

- International Commission on Intervention and State Sovereignty, Responsibility to protect, International Development Research Centre, Canada, 2001.

- Steurer Reinhard(2010), ***The Role of Governments in Corporate Social Responsibility.***

- United Nations, Charter of United Nations, site: <https://www.un.org/en/documents/charter>

- A More Secure World: Our Shared Responsibility, 2004, UN. Doc.A/59/565.

- In Larger Freedom: Toward Development, Security& Human Rights for All, Report of the Secretary- General, UN, Doc. A/59/2005.

